

## تست‌های گرامر زبان تخصصی - سال ۱۳۸۵

**Part A: Grammar**

**Directions:** Questions 1-5 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

1. As soon as Tom ..... up tomorrow morning, he ..... his teeth.  
 1) getting, brushes      2) gets, will brush      3) will get, brushes      4) getting, will brush
2. You and I don't agree. In other words, your ideas are not ..... .  
 1) same as me      2) same as mine      3) the same as mine      4) the same as me
3. Only once ..... to the opera in the whole time I was in Italy.  
 1) I went      2) did I go      3) I had gone      4) had I gone
4. People used to use ..... candles for ..... light, but now they use ..... electricity.  
 1) \_, \_, \_      2) \_, the , the      3) the , the , \_      4) the , \_, the
5. ..... the fact that he was only three, he swam ..... he were a swimmer.  
 1) While, like      2) Although, as      3) Whereas, like      4) Despite, as if
6. The buyers insisted that the company ..... rise its prices any more.  
 1) not      2) didn't      3) does not      4) would not
7. We ..... the car for 6 months when we discovered it ..... .  
 1) owned, stolen      2) had owned, stealing      3) had owned, was stolen      4) owned, had been stolen
8. You talked to her ..... that I don't think she'll be coming back.  
 1) so rude      2) very rude      3) so rudely      4) very rudely
9. I couldn't decide ..... to the liberty or to the movies.  
 1) as to go      2) if I went      3) that I went      4) whether to go
10. Now that they both had their hair cut, the twins looked even ..... .  
 1) to be likely      2) more alike      3) much likeable      4) with likelihood

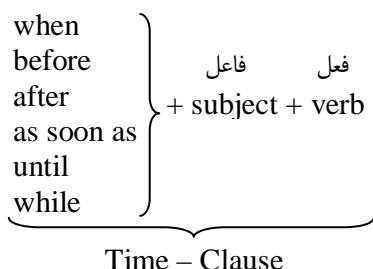
## پاسخ تست‌های گرامر زبان تخصصی - سال ۱۳۸۵

- ۱ گزینه‌ی ۲ به چینن جمله‌ای، جمله‌ی زمانی یا Time clause می‌گویند و معنی آن اینچنین است: «به محض اینکه Tom فردا صبح از خواب بیدار

شود، دندان‌هاش را مسوک خواهد زد.»

درستنامه!

هرگاه کلماتی چون before, until, as soon as, after, before, when Time clause را تشکیل می‌دهند.



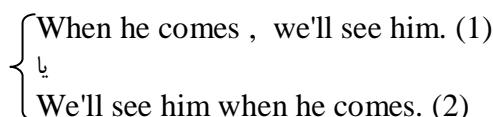
اگر این کلمات را با فعل حال ساده به کار ببریم، یک جمله زمانی که زمان آینده است را ساخته‌ایم و به همین دلیل، دیگر نباید فعل آینده به کار ببریم.

Example: The taxi will arrive soon. **As soon as it arrives**, we will be able to leave for the airport.



معنی: تاکسی به زودی خواهد رسید. به محض اینکه برسد، ما قادر خواهیم بود به فرودگاه برویم.

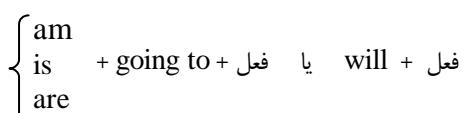
✓ جمله‌ی زمانی می‌تواند هم در اول جمله و هم در قسمت دوم جمله بیاید:



معنی: وقتی او بیاید او را خواهیم دید.

✓ حواستان باشد! هرگاه Time - Clause در ابتدای جمله بیاید، حتماً بعدش از ویرگول استفاده می‌کنیم.

✓ حواستان باشد! جمله‌ای که بعد از Time- Clause و ویرگول در مثال (۱) و نیز قبل از Time Clause در مثال (۲) می‌آید، دارای فعل آینده می‌باشد.



يعني تركيب:

بنابراین در این سوال، پس از as soon as، فعل حال ساده‌ی gets و در جمله بعدی، فعل آینده‌ی will brush جمله را کامل می‌کنند، یعنی گزینه‌ی ۲ پاسخ درست است.

- ۲ گزینه‌ی ۳ این جمله قبلاً به شکل زیر بوده است:

You and I don't agree. In other words, your ideas are not the same as my ideas.

«من و تو با هم توافق نظر نداریم. به عبارت دیگر، ایده‌های تو مثل ایده‌های من نیست.»

حال به جای عبارت اسمی my idea می‌توانیم ضمیر mine را به کار ببریم. (به سوال ۴۸ کنکور زبان تخصصی سال ۱۳۹۱ و توضیح ضمایر ملکی نگاهی بیندازید.)

صفتی به معنی «مشابه و یکسان» است و همیشه با حرف تعريف the می‌آید. بنابراین گزینه‌ی ۳ یعنی the same as mine پاسخ درست است و

معنی جمله چنین است: «من و تو با هم توافق نظر نداریم. به عبارت دیگر، ایده‌های تو مشابه ایده‌های من نیست.»

هرگاه ترکیب قیدی only once به معنی «فقط یکبار» در ابتدای جمله باید، جمله واژگون می‌شود. واژگون شدن جمله به شکل مقابل می‌باشد:

Only once	
Never	هرگز
Hardly	ندرتاً
Rarely	ندرتاً
Few	کم
Little	کم

+ فعل + فعل کمکی

مثال زیر را در نظر بگیرید:

I went to the opera only once.  
Only once **did I go** to the opera. (inversion) واژگونی

من تنها یک بار به اپرا رفتم.

☒ حواستان باشد! که متناسب با زمان و فعل جمله باید فعل کمکی مناسبی را به کار ببرید.

☒ این جمله برخلاف ظاهر سوالی اش، جمله‌ای خبری است.

جمله‌ی سوال ۳ واژگون است و با نگاهی به گزینه‌ها متوجه می‌شوید که باید جمله‌ی واژگون بسازید. بنابراین عبارت did I go یعنی گزینه‌ی ۲ پاسخ درست است. معنی جمله چنین است: «من در کل زمانی که در ایتالیا بودم تنها یک بار به اپرا رفتم»

گزینه‌ی ۱ واژگون نیست، در نتیجه پاسخ نادرست است.

گزینه‌ی ۲ واژگون نیست و نیز فعل آن ماضی بعید است. در نتیجه نادرست است.

در گزینه‌ی ۴ فعل ماضی بعید آمده که با توجه به زمان کل جمله، نادرست است.

۴- **گزینه‌ی ۱** معنی جمله چنین است: «مردم قبل از شمع برای روشنایی استفاده می‌کردند اما امروزه از الکتریسیته استفاده می‌کنند.»

درستنامه!

حرف تعریف the برای اسمی مفرد و جمع و غیرقابل شمارشی که برای مخاطب آشناست به کار می‌رود.

مثال: The names of the books here begin with the letter 'A'...

حرف تعریف a و an برای اسمی مفردی استفاده می‌شوند که برای مخاطب آشنا نیستند. چنانچه صدای اول کلمه (و نه اولین حرف کلمه) با صدا باشد از (an) و در غیر اینصورت از a قبل از آن اسم استفاده می‌شود. (۲).

مثال (1) : an hour      (2) a book

گاهی اسمی را بدون هیچ حرف تعریفی به کار می‌برند که در این صورت منظور، مفهوم کلی آن اسمی می‌باشد (۳). (نکته‌ی مورد استفاده برای سؤال (3) Candles come in different colors and fragrances:

«شمع‌ها رنگ‌ها و رایحه‌های مختلفی دارند.»

اسم‌ها به دو گروه عام (مثل light, sugar, milk ...) و خاص (مثل اسمی اشخاص، شهروها، روزها، ماهها و موقعیت‌های خاص) تقسیم می‌شوند. اکثر اسمی خاص، بدون حرف تعریف به کار می‌رond. اما برخی از اسمی خاص را با حرف تعریف the و با مفهوم جمع به کار می‌برند (مثل رشته کوههای آلپ (the Alps) و برخی را با حرف تعریف the اما مفهوم مفرد (مثل the Eiffel Tower).

اسمی عام را به منظور طبقه‌بندی کردن و لقب دادن به اشخاص و چیزها به کار می‌برند. اسمی عام شامل اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش می‌شوند. اسمی عام قابل شمارش را در حالت مفرد با a/an و each (۴) و در حالت جمع با اعداد و ya many (۵) استفاده می‌کنند.

(4) Do you have a white candle? **Each** child has a book.

(5) We don't have two candles.

☒ معمولاً اسمی عام غیرقابل شمارش را به منظور صحبت درباره‌ی یک مفهوم ذهنی، یک فعالیت، یک ماده و یا یک جنس به کار می‌برند. (۶)

(6) light- electricity- food- freedom- water

☒ اسمی غیرقابل شمارش را با a/an و ya به صورت جمع به کار نمی‌برند. می‌توان آنها را با much (۷) و ya بدون هیچ حرف تعریفی هم به کار برد. (۸)

(7) They don't have **much** water.

(8) They have food for everyone.

حال در این سوال می‌فهمیم که اسم عام قابل شمارش candles (شمع‌ها) در مفهوم کلی اش به کار رفته است. در نتیجه بدون هیچ حرف تعریفی می‌آید. اسمی عام غیرقابل شمارش light (روشنایی) و electricity (الکتریسیته) درباره‌ی مقابله‌ی ذهنی یعنی روشنایی و نیروی الکتریسیته صحبت می‌کنند و در نتیجه به

حرف تعریف نیاز ندارند. به همین جهت گزینه‌ی ۱ که هر سه اسم را بدون حرف تعریف آورده، پاسخ درست است.

## - ۵ - گزینه‌ی ۴

درستنامه!

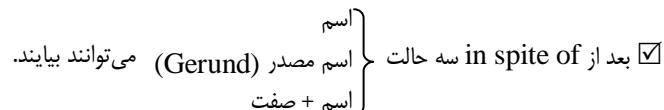
یکی از روش‌های بیان مفهوم تضاد در زبان انگلیسی استفاده از حروف اضافه despite (علیرغم) و حروف ربط in spite of the fact that (علیرغم این حقیقت که) است. مثال:

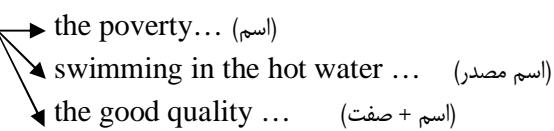
I went swimming **despite** the cold weather. من به شنا رفتم علیرغم اینکه هوا سرد بود.

I went swimming **in spite of** the cold weather. من به شنا رفتم علیرغم اینکه هوا سرد بود.

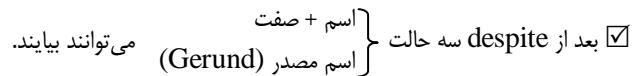
I went swimming **despite the fact that** the weather was cold. من به شنا رفتم علیرغم این حقیقت که هوا سرد بود.

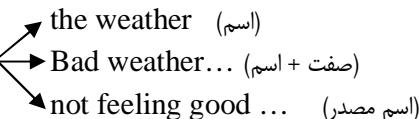
I went swimming **in spite of the fact that** the weather was cold. من به شنا رفتم علیرغم این حقیقت که هوا سرد بود.


 بعد از in spite of سه حالت  $\left\{ \begin{array}{l} \text{اسم} \\ \text{اسم مصدر (Gerund)} \\ \text{اسم + صفت} \end{array} \right\}$  می‌توانند بیایند.

مثال : in spite of 

- the poverty ... (اسم)
- swimming in the hot water ... (اسم مصدر)
- the good quality ... (اسم + صفت)


 بعد از despite سه حالت  $\left\{ \begin{array}{l} \text{اسم + صفت} \\ \text{اسم مصدر (Gerund)} \\ \text{اسم مصدر (Gerund)} \end{array} \right\}$  می‌توانند بیایند.

مثال : I went out despite 

- the weather (اسم)
- Bad weather ... (صفت + اسم)
- not feeling good ... (اسم مصدر)

در این سوال، پس از جای خالی اول، گزینه‌ی ۴ آمده. بنابراین حرف اضافه‌ی despite in spite of the fact that یا آمده. جمله را کامل می‌کنند و این مورد تنها در گزینه‌ی ۴ آمده است.

از طرف دیگر، در ادامه‌ی جمله می‌خوانیم "he were" که حاکی از آن است که ساختار شرطی در جمله به کار رفته است. (گویی as if/ if این مورد نیز فقط در گزینه‌ی ۴ آمده است و این گزینه، پاسخ درست است.

معنی جمله چنین است: «علیرغم اینکه او تنها سه سال داشت، طوری شنا می‌کرد که گویی شناگری ماهر بود.»

- ۶ - گزینه‌ی ۳ با خواندن متن سوال متوجه می‌شوم کلمه‌ای که جای خالی را پر می‌کند، باید حالت فعل «صحبت کردن» را بیان کند. با نگاهی به گزینه‌ها می‌فهمیم که این قید rudely می‌باشد.

درستنامه!

یکی از روش‌های نشان دادن «علت و معلول» یا «وصف و نتیجه‌ی وصف» (cause and effect)، استفاده از ... that و ... such و ... so می‌باشد.

اسم صفت

**Such + adjective + noun + that:**

It was such good coffee that I had another cup.

آنقدر قهوه‌ی خوبی بود که فنجان دیگری خوردم.

اسم غیرقابل شمارش

It was such a foggy day that we couldn't see the road.

آنقدر روز مه آلودی بود که نمی‌توانستیم جاده را ببینیم.

اسم قابل شمارش

**So + { adjective (صفت) یا adverb (قید) } + that:**

The coffee is so hot that I can't drink it.

این قهوه آنقدر داغ است که نمی‌توانم آن را بنوشم.

صفت

He speaks so fast that I can't understand him.

او آنقدر سریع حرف می‌زند که نمی‌توانم حرفش را بفهمم.

قید

بنابراین ترکیب **rudely** (آنقدر با بی‌ادبی) جمله را کامل می‌کند. معنی جمله چنین است: «تو آنقدر با او با بی‌ادبی صحبت کردی که فکر نمی‌کنم برگردد.» گزینه‌ی ۳ پاسخ درست است.

#### ۹ - گزینه‌ی ۴

**در سنامه!**

در جملات قیدی شرطی (or not) **whether** (or not) even if به کار می‌روند.

- زمانی استفاده می‌شود که:

- ۱- دو حق انتخاب و یا بیشتر وجود داشته باشد.
- ۲- انتخاب هر کدام از انتخاب‌ها، در نتیجه‌ی کار تعییری ایجاد نکند.

به مثال زیر توجه کنید:

**Whether** we win **or** lose, we always enjoy this game.

ما چه پیروز شویم چه بیازیم، همیشه از این بازی لذت می‌بریم.

- زمانی از **whether or not** استفاده می‌شود که یکی از حق انتخاب‌ها خلاف دیگری باشد. مثال زیر را در نظر بگیرید:

They are going to send relief supplies **whether or not** the fight has ended.

چه جنگ تمام شده باشد چه نشده باشد آنها لوازم کمکی را خواهند فرستاد.

چنانچه **whether** در ابتدای جمله بیاید، می‌توان or را در آخر جمله به کار برد:

**Whether** it's rainy **or not**, they're determined to play golf tomorrow.

چه باران بیارد چه نبارد، آن‌ها مصمم‌اند فردا گلف بازی کنند.

- even if زمانی به کار می‌رود که: ممکن است شرایطی خاص وجود داشته باشد، اما بر وضعیت احتمالی یا آینده‌ی جمله‌ی اصلی مان تأثیری ندارد.

مثال: we'll have a great time **even if** it rains.

- به ما خوش خواهد گذشت حتی اگر باران بیارد. (ممکن است باران بیارد اما بر خوش گذشتن به ما تأثیری ندارد.)

در سوال ۹ دو حق انتخاب «رفتن به کتابخانه» و «رفتن به سینما» را داریم. بنابراین از **whether to** استفاده می‌کنیم. در نتیجه گزینه‌ی ۴ یعنی go پاسخ درست است.

☒ حواستان باشد! هر ساختاری که بین **or** و **whether** آمد، باید پس از **or** نیز به کار رود. جمله‌ی این سوال، نخست به شکل زیر بوده و سپس به منظور جلوگیری از تکرار، to go حذف شده:

I couldn't decide whether to go to the library or (to go) to the movies.

معنی جمله چنین است: «نمی‌توانستم تصمیم بگیرم که به کتابخانه بروم یا به سینما.»

#### ۱۰ - گزینه‌ی ۲

**در سنامه!**

پس از افعالی چون (به نظر رسیدن) **look**, (به نظر رسیدن) **smell** و (بو دادن) **seem**, صفت می‌آید. مثال:

She looks worried.  
او نگران به نظر می‌رسد.

She seems worried.  
او نگران به نظر می‌رسد.

This flower smells good.  
این گل بوی خوبی می‌دهد.

☒ هیچ‌گاه پس از فعل **look** (به نظر رسیدن) مصدر با **to** نمی‌آید!

☒ می‌توان قبل از صفت، قیدی به کار بُرد که آن صفت را توصیف کند. (قیدهایی چون **very**, **more**, ...)

او به نظر خیلی عصبانی می‌آید.

She looks very angry



در جمله‌ی سوال ۱۰، پس از ... the twins looked even ... به یک صفت یا ترکیب قید و صفت نیاز داریم.

در گزینه‌ی ۱، to be likely اما می‌دانیم که پس از (به نظر رسیدن) **look** نه مصدر با **to** می‌آید و نه اصلاً معنی آن (محتمل بودن) با بقیه جمله همخوانی دارد.

گزینه‌ی ۳، much likeable یک ترکیب قید و صفت به معنی «بسیار خوش آمدنی» می‌باشد که با معنی بقیه‌ی جمله همخوانی ندارد.

گزینه‌ی ۴، with likelihood ترکیب حرف اضافه و اسم است و کاملاً بی‌ربط.

گزینه‌ی ۲، more alike ترکیب قید و صفت به معنی «شبیه‌تر» است و به خوبی جمله را کامل می‌کند:

حالا که این دوقلوها هر دو موهاشان را کوتاه کرده‌اند، حتی شبیه‌تر هم شده‌اند.»



**تست‌های گرامر زبان تخصصی - سال ۱۳۸۶****Part A: Grammar**

**Directions:** Questions 1-10 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

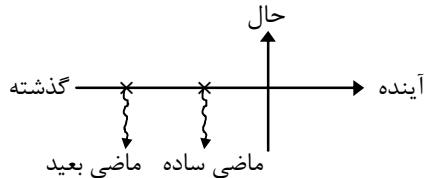
1. **Laura ..... the classroom late because she ..... with one of her classmates.**
  - 1) had left, would argue
  - 2) would leave, argued
  - 3) left, had been arguing
  - 4) was leaving, was arguing
2. **Don't call me at the usual time tomorrow evening. I ..... dinner.**
  - 1) will take
  - 2) am taking
  - 3) will be taking
  - 4) am going to take
3. **Uncle Joe was so careless ..... money that he spent £1,000 ..... clothes ..... the holiday weekend.**
  - 1) of, for, in
  - 2) for, on, at
  - 3) on, for, on
  - 4) with, on, over
4. **..... the wallet, ..... the head.**
  - 1) Fatter, emptier
  - 2) The fatter, the emptier
  - 3) The fattest, the emptiest
  - 4) It's the fattest, it's the emptiest
5. **Voters are faced with a lot of parties ..... to choose.**
  - 1) of which
  - 2) of them
  - 3) from them
  - 4) from which
6. **Betty did not regret ..... that she did not let her son ..... graduate school.**
  - 1) saying, enter
  - 2) saying, entering
  - 3) to say, to enter
  - 4) say, to enter
7. **The baby ..... why don't you check to make sure about it?**
  - 1) could have slept
  - 2) might be sleeping
  - 3) must have slept
  - 4) should be sleeping
8. **If you feel sick, you ..... go to school.**
  - 1) had better not
  - 2) had not better
  - 3) would rather not
  - 4) would not rather
9. **We moved very slowly ..... frighten the animals.**
  - 1) so as not to
  - 2) in order to not
  - 3) so that we didn't
  - 4) in order that we didn't
10. **Little ..... I'd become president of the company.**
  - 1) I thought
  - 2) did I think
  - 3) I had thought
  - 4) had I thought

## پاسخ تست‌های گرامر زبان تخصصی - سال ۱۳۸۶

- ۱ گزینه‌ی ۳

درستنامه!

در بحث زمان افعال می‌خوانیم که هرگاه دو فعل در گذشته با فاصله‌ی زمانی نسبت به هم رخ دهن، آن فعلی که قبل از فعل دیگر رخ داده، همان گذشته‌ی کامل (ماضی بعید) و فعل دیگر، همان گذشته ساده است. عبارت دیگر، فعلی که در زمان گذشته، قبل از یک گذشته دیگر رخ داده، فعل ماضی بعید می‌باشد و دیگری ماضی ساده.



فعل گذشته بعید از ترکیب زیر ساخته می‌شود:

قسمت سوم فعل Had +

مثال: Had + argued

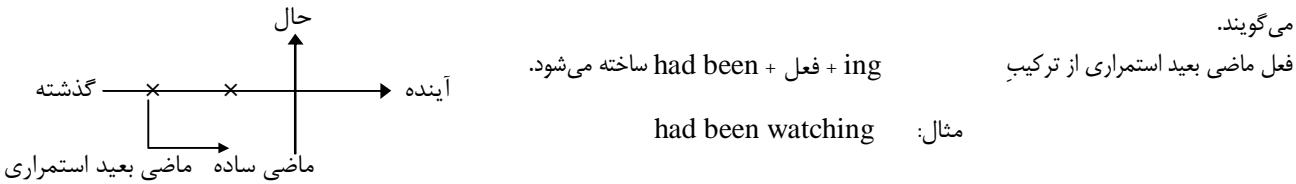
(مثال) John felt sick because he hadn't eaten healthy food.

فعل ماضی ساده

فعل ماضی بعید

جان احساس بیماری می‌کرد زیرا غذای سالم نخورد بود.

حال اگر فعل ماضی بعید تا قبل از وقوع فعل بعدی (ماضی ساده) همچنان ادامه پیدا کند، یعنی استمرار داشته باشد، به این فعل، فعل ماضی بعید استمراری می‌گویند.



فعل ماضی بعید استمراری از ترکیب

had been watching مثال:

had been + فعل ing + فعل had been + ساخته می‌شود.

با خواندن جمله‌ی ۱ متوجه می‌شویم که فعل «ترک کردن» leave و «مشاجره کردن» argue هر دو در زمان گذشته اتفاق افتاده‌اند و فعل argue قبل از انجام شده و معنی جمله چنین است: «laura کلاس را دیر ترک کرد، زیرا با یکی از همکلاسی‌هایش مشغول مشاجره بوده است.» بنابراین left (گذشته‌ی فعل leave) و had been arguing (argue) که در گزینه‌ی ۳ دیده می‌شوند، پاسخ درست است.

- ۲ گزینه‌ی ۳ معنی جمله چنین است: «به من فردا عصر در ساعت معمول زنگ نزن. در حال شام خوردن خواهم بود.»

درستنامه!

- ساختار فعل will + verb که در گزینه‌ی ۱ (will take) به چشم می‌خورد زمانی به کار برده می‌شود که بخواهیم «تصمیم احظای و آنی» را درباره‌ی آینده نشان دهیم، یا درباره انجام کاری که احتمالاً در آینده انجام خواهد شد، صحبت کنیم و نیز نوعی پیش‌بینی بر اساس دانسته‌ها و تجربه‌های پیشین است. اما نویسنده با گفتن جمله‌ی خود، هیچ کدام از مفاهیم ذکر شده را تداعی نمی‌کند.

قطعی صحبت کنیم. به عبارت دیگر، زمانی که بخواهیم درباره انجام کاری در آینده سخن بگوییم که برایش از قبل برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اما نویسنده با گفتن جمله خود، این مفاهیم را تداعی نمی‌کند.

- ساختار آینده‌ی am + verb + ing فعل

قطعی صحبت کنیم. به عبارت دیگر، زمانی که بخواهیم درباره انجام کاری در آینده سخن بگوییم که برایش از قبل برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اما نویسنده با گفتن جمله خود، این مفاهیم را تداعی نمی‌کند.

- ساختار آینده‌ی am + going to + verb فعل

درباره‌ی کاری که قرار است در آینده انجام شود، تصمیم‌گیری شده باشد. (اما ممکن است انجام نشود. زیرا این ساختار نوعی پیش‌بینی آینده بر اساس احساس و یا حدس لحظه‌ای است.)

- ساختار ing + فعل + be (آینده‌ی استمراری) زمانی به کار می‌رود که بخواهیم درباره انجام کاری در آینده صحبت کنیم که در طول یک زمان مشخص در حال انجام خواهد بود و نیز به عنوان راهی برای نشان دادن برنامه‌ها و نیت‌ها به کار می‌رود.

با توجه به جمله‌ی سوال ۲ در می‌باییم که نویسنده فردا شب، یعنی در طول زمان مشخصی در آینده، در حال انجام عمل «غذا خوردن» خواهد بود که این مفهوم در گزینه‌ی ۳ یعنی فعل will be taking آمده است.

## -۳ گزینه‌ی ۴

درست‌نامه!

معنی جمله چنین است: «عمو Joe آقدر در پول خرج کردن بی دقت بود که در طول تعطیلات آخر هفته ۱۰۰۰ پوند صرف خرید لباس کرد.» صفت careless (بی دقت) چنانچه با حرف اضافه‌ی with همراه شود. به معنی «توجه کافی نداشتن به کاری که در حال انجام است و بنابراین مرتکب اشتباه شدن، خرابکاری کردن وغیره» می‌باشد.

مثال: He's careless with his glasses and has lost three pairs!

او نسبت به عینکش بی دقت است و تا به حال سه تا عینک گم کرده است! بنابراین جای خالی اول را حرف اضافه‌ی with کامل می‌کند، یعنی گزینه‌ی ۴. از آنجایی که خوبخستانه در سایر گزینه‌ها with وجود ندارد (!)، بدون خواندن ادامه‌ی جمله، می‌فهمیم که همین گزینه‌ی ۴ پاسخ درست است. با این وجود ادامه‌ی جمله را بررسی می‌کنیم! فعل spend به معنی «خرج کردن، صرف کردن» می‌باشد. همچنین اگر به همراه حرف اضافه on به کار رود، به معنی «استفاده از پول برای خرید کالا و خدمات» می‌باشد.

مثال: More money should be spent on education

پول بیشتری باید صرف تحصیل شود.

یکی از معانی حرف اضافه‌ی over «در طول، در حین» می‌باشد که در این صورت با حرف اضافه‌ی during (در طول، در حین) هم معنی است. مثال: Will you be home over the vacation?

آیا در طول تعطیلات، خانه خواهی بود؟

بنابراین جمله، به صورت زیر خواهد بود:

Uncle Joe was so careless with money that he spent £1,000 on clothes over the holiday weekend.

## -۴ گزینه‌ی ۲

درست‌نامه!

این جمله یک نوع اصطلاح در زبان انگلیسی به معنی «..... هرچه ..... تر باشد، ..... هم ..... تر است.» می‌باشد. در واقع در هر دو قسمت این بیان از صفت تفضیلی (برتر) استفاده می‌شود. در این کاربرد، حتماً قبل از صفت تفضیلی از حرف تعریف the استفاده می‌شود.

The +	$\left\{ \begin{array}{l} \text{adjective} + er \\ \text{better} \text{ یا } \text{worse} \\ \text{more/less} \end{array} \right\}$	+ ..... , the +	$\left\{ \begin{array}{l} \text{adjective} + er \\ \text{better} \text{ یا } \text{worse} \\ \text{more/less} \end{array} \right\}$	+ .....
-------	---	-----------------	---	---------

مثال: the more you exercise, the better you feel.

صفت برتر

صفت برتر

هرچه بیشتر ورزش کنی، احساس بهتری داری.

بنابراین گزینه‌ی ۲، جمله را کامل می‌کند:

The fatter the wallet, the emptier the head.

صفت برتر

صفت برتر

هرچه کیف پول چاق‌تر شود، مغز و ذهن هم خالی‌تر می‌شود. گزینه‌ی ۲ پاسخ درست است.

- ۵ گزینه‌ی ۴ این جمله، حاوی یک عبارت وصفی است.

درست‌نامه!

جمله‌ی وصفی‌ای که موصوف آن‌ها شخص باشد را می‌توان به ۴ روش نوشت. عبارت «کارفرمایی که من برایش کار می‌کنم .....» را در نظر بگیرید. The employee whom I work for .....

می‌توان به جای ضمیر موصولی مفعولی whom، ضمیر موصولی who یا that نیز به کار برد. بنابراین جمله بالا را می‌توان به دو شکل زیرهم نوشت:

(1) The employee who I work for .....

(2) The employee that I work for .....

(3) The employee I work for .....

و یا اصلاً هیچ ضمیر موصولی نیاوریم: (مثال ۴)

همچنین می‌توان حرف اضافه‌ی بعد از فعل را به جایگاه قبل از whom منتقل کرد و چنین جمله‌ای ساخت:

(این مدل دیگر هیچ تغییری نمی‌کند (به این معنی که به جای whom در این حالت، هیچ ضمیر موصولی دیگری نمی‌آید)

(4) the employee for whom I work .....

جمله‌ی وصفی‌ای که موصوف آن‌ها غیرشخص باشد را می‌توان به ۴ روش نوشت. عبارت «پروژه‌ای که داری رویش کار می‌کنی» را در نظر بگیرید:

(1) The project **which** you're working on

می‌توان به جای ضمیر موصولی مفعولی **that**, **which** به کار ببریم:

(2) The project **that** you're working on .....

(3) The project you're working on

و یا اصلاً هیچ ضمیر موصولی ای نیاوریم:

همچنین می‌توان حرف اضافه بعد از فعل را به جایگاه قبل از **which** منتقل کرد:

(4) The project **on which** you're working .....

با خواندن متن سوال می‌فهمیم که عبارت "choose from" (احزابی که از آن‌ها انتخاب کنند) عبارتی وصفی است با فعل (انتخاب کردن از میان). از آنجا که موصوف این عبارت وصفی **parties** (احزاب) غیر شخص محسوب می‌شود، ضمیر موصولی مفعولی **which** به کار می‌بریم و نیز می‌توانیم حرف اضافه‌ی **from** را به قبل از **which** منتقل کنیم و عبارت وصفی **parties from which to choose** را بسازیم. که این عبارت در گزینه‌ی ۴ موجود می‌باشد که پاسخ درست است. معنی جمله چنین است: «رأی دهنگان با احزاب زیادی که از بینشان انتخاب کنند، مواجه‌اند.»

۶- **گزینه‌ی ۱** معنی جمله چنین است: «**betty** از گفتن این که به پرسش اجازه نداد وارد دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی شود، افسوس نمی‌خورد.»

**درستنامه!**

برخی از افعال بسته به این که بعدشان مصدر با **to** یا اسم مصدر (**Gerund**) بیاید، معانی متفاوتی می‌گیرند. این افعال عبارتند از:

**Stop** , **try** , **regret** , **forget** , **remember**

به یاد آوردن فراموش کردن افسوس خوردن تلاش کردن متوقف کردن

توجه کنید که هر کدام از این افعال، چه معانی متفاوتی می‌توانند داشته باشند:

**Remember + to** ⇒ مصدر با

به خاطر سپردن انجام کاری که هنوز انجام نشده یا انجام مسئولیت‌ها و وظایف

**Judy** همیشه به خاطر می‌سپارد که در را قفل کند.

Example: Judy always **remembers to lock** the door.

**Remember + (Gerund)** ⇒ اسم مصدر **ing** دار

به یاد آوردن چیزی که در گذشته اتفاق افتاده

Example : I **remember seeing** the Alps for the first time.

من دیدن رشته کوه آلب را برای اولین بار را به یاد می‌آورم.

**forget + to** ⇒ مصدر با

فراموش کردن انجام دادن کاری که باید انجام می‌شده یا فراموش کردن انجام دادن مسئولیت‌ها و وظایف

Example : Sam **forgets to lock** the doors

Sam فراموش می‌کند که در را قفل کند.

**forget + (Gerund)** ⇒ اسم مصدر **ing** دار

فراموش کردن کاری که در گذشته اتفاق افتاده

من هیچگاه دیدن رشته کوههای آلب را برای نخستین بار فراموش نخواهم کرد.

Example : I'll never **forget seeing** the Alps for the first time

☒ وقتی فعل **forget** با مصدر **ing** دار (**Gerund**) همراه می‌شود، معمولاً در جمله‌ای منفی یا سوالی می‌آید. مثل

I'll never forget, can you ever forget, Have you ever forgotten, I can't forget

که همگی بعدشان عبارات مصدری **ing** دار می‌آید.

**Regret + to** ⇒ مصدر با

تأسف خوردن از این که خبر بدی را به کسی بگوییم، متأسف بودن از کاری که می‌خواهیم انجام دهیم.

Example : I **regret to tell** you that you failed the test

متأسنم به تو بگویم که در امتحان قبول نشدم.

**Regret + (Gerund)** ⇒ اسم مصدر **ing** دار

افسوس خوردن از کاری که در گذشته انجام شده

Example : I regret lending him some money. He never paid me back.

من از این که به او پول قرض دادم، افسوس می‌خورم، او هیچ وقت پولم را پس نداد.

**try + to** ⇒ مصدر با

تلاش کردن

Example : I **tried to lift** the box.

من تلاش کردم که آن جعبه را بلند کنم.

**try + (Gerund)** ⇒ مصدر با

چیز جدید یا متفاوتی را امتحان کردن.

Example : I **tried skiing** and I liked it.

من اسکی کردن را امتحان کردم و خوش آمد.

**Stop + (Gerund)** ⇒ مصدر با

دست کشیدن از کاری که از قدیم انجام می‌شده

Example: The student **stopped talking** when the professor entered the room. The room became quiet.

زمانی که استاد وارد کلاس شد دانشجویان از حرف زدن دست کشیدند. کلاس ساکت شد.

**Stop + to** ⇒ مصدر با

دست کشیدن از کاری به منظور شروع کاری جدید

Example: I **stopped to talk** to her.

من ایستادم تا با او حرف بزنم.